

# بهره‌وری عوامل تولید در بخش کشاورزی کرمان

< سمیه امیرتیموری

استادیار گروه اقتصاد کشاورزی  
دانشگاه شهید باهنر کرمان



امروزه بهبود بهره‌وری به‌عنوان بهترین و مؤثرترین روش دستیابی به رشد اقتصادی با توجه به کمیابی منابع تولید، مطرح است. بهره‌وری نقش مهم و مؤثری در رشد تولید و افزایش رقابت‌پذیری دارد. آلمان و ژاپن در جنگ جهانی دوم از هستی ساقط شدند؛ ولی امروزه پس از حدود نیم قرن هر دو از توسعه یافته‌ترین کشورها محسوب می‌شوند، این امر به واسطه افزایش بهره‌وری امکان‌پذیر شده است (دشتی مقدم، ۱۳۷۶).

حال با توجه به جمعیت فزاینده کشور و افزایش نیازها و این واقعیت که دیگر نمی‌توان به درآمدهای نفتی متکی بود و منابع موجود جهت برآوردن این نیازهای فزاینده، محدود می‌باشد؛ تنها راه باقیمانده تخصیص بهینه منابع تولیدی در بخش‌های مختلف کشور می‌باشد. بخش کشاورزی از اهمیت ویژه‌ای در اقتصاد ایران برخوردار است. این بخش یکی از تواناترین بخش‌های اقتصاد کشور است که تأمین‌کننده بیش از یک‌پنجم تولید ناخالص داخلی، یک‌پنجم اشتغال، بیش از چهارپنجم نیازهای غذایی و بیش از یک‌چهارم صادرات غیرنفتی می‌باشد. توسعه بخش کشاورزی، پیش‌شرط و نیاز ضروری توسعه اقتصادی کشور است و تا زمانی که موانع توسعه در این بخش برطرف نشود، سایر بخش‌ها نیز به شکوفایی، رشد و توسعه دست نخواهند یافت. بخش کشاورزی در چند دهه اخیر رشد چشمگیری داشته است، به‌طوری‌که حجم تولید این بخش به‌طور مطلق در سه دهه اخیر بیش از سه برابر افزایش یافته است.

اما بخش کشاورزی با مشکلات و محدودیت‌های بسیاری نیز روبروست که به‌عنوان مانعی در راه توسعه بیشتر این بخش عمل می‌کنند. بدون شک مهم‌ترین و جدی‌ترین مشکل بخش کشاورزی ایران، پایین بودن سطح تولید در این بخش است. بنا بر تئوری‌های تولید و عرضه، رشد تولید از دو طریق حاصل می‌شود: افزایش تولید از طریق به‌کارگیری بیشتر عوامل تولید با فرض تکنولوژی ثابت و روش دیگر به‌کارگیری دانش فنی پیشرفته در بخش‌های تولید، روش دوم

با مفهوم بهره‌وری گره خورده است (مرادی، ۱۳۸۱). واژه «بهره‌وری» یا «بهره‌بری» در فرهنگ لغت فارسی معین به معنی سود برندگی و یا فایده‌گویی و کامیابی است. این واژه در انگلیسی با واژه «Productivity» که به معنای سرشاری، حاصلخیزی، باروری و استعداد تولیدی می‌باشد، معادل قرار داده شده است (پروا، ۱۳۷۹). در ساده‌ترین تعریفی که از بهره‌وری صورت گرفته است، بهره‌وری را نسبت ستاده به داده تعریف کرده‌اند.

داده / ستاده = بهره‌وری

$Output / Input = Productivity$

به‌طور کلی، بهره‌وری دارای سه مؤلفه مهم است: کارایی، اثربخشی و به‌کارگیری مداوم عوامل تولید. این تعریف در اکثر کتاب‌هایی که در مورد بهره‌وری صحبت می‌کنند، به‌کار گرفته شده است (باقری قادیکلای، ۱۳۸۳).

در ادبیات مربوط به اقتصاد توسعه، بهره‌وری به‌عنوان میزان ستانده حاصل از مقدار معینی از یک یا چند نهاد تعریف می‌شود. این معیار، بازگوکننده نحوه استفاده از منابع و عوامل تولیدی در یک برهه از زمان می‌باشد و آثار سه‌گانه تغییر تکنولوژی، تغییر مقیاس و تغییر در راندمان استفاده از نهادها، یعنی حرکت به سمت تابع تولید مرزی از داخل را در بر می‌گیرد. از این‌رو تغییر در بهره‌وری از یک دوره به دوره بعد و یا شکاف بهره‌وری بین واحدهای تولیدی در یک مقطع از زمان نشانگر تغییر و تفاوت در توان فنی و عملکرد واحد یا بخش اقتصادی در تبدیل نهاده‌ها به کالا و خدمات و به‌عبارت دیگر تغییر در ثمربخشی یک مجموعه از نهاده‌ها در تولید ستانده می‌باشد (سلامی، ۱۳۷۶).

به‌طور کلی، با توجه به تعاریف مختلفی که از بهره‌وری ارائه داده‌اند؛ در حوزه نظری، بهره‌وری به معنای «درست انجام دادن کار درست به‌طور مداوم» است. از نظر کاربردی، بهره‌وری در هر دستگاه به معنای «نسبت ستانده کمی به نهاده‌های کمی» تعریف می‌شود. در قرن اخیر، به بهره‌وری همچون مفهومی از کارایی و به معنای بهبود معیارهای زندگی

آقارضایی (۱۳۹۵) با انجام مطالعه‌ای به بررسی بهره‌وری عوامل تولید پسته در شهرستان راور پرداخته است. نتایج مطالعه نشان داد که نهاده‌های کود حیوانی و سم به ترتیب بیشترین و کمترین مقدار بهره‌وری نهایی و نهاده‌های سم و آب به ترتیب بالاترین و پایین‌ترین بهره‌وری متوسط را در تولید محصول پسته شهرستان راور داشته‌اند. میانگین کارایی فنی، تخصیصی و اقتصادی تولید پسته در این شهرستان به ترتیب ۰/۹۷۵، ۰/۷۴۸ و ۰/۷۱۷ محاسبه شد. بر اساس نتایج به‌دست آمده، در این شهرستان از نهاده‌های آب، نیروی کار و سم بیش از حد بهینه و از نهاده‌های کود شیمیایی، کود حیوانی و ماشین‌آلات کمتر از حد بهینه استفاده می‌شود.

نتایج مطالعات نشان‌دهنده این است که می‌توان با افزایش کارایی و بهره‌وری، میزان تولید محصولات کشاورزی استان را افزایش داد. لذا بایستی مطالعات گسترده‌تری در زمینه شناسایی دلایل پایین بودن بهره‌وری و راه‌های ارتقاء آن صورت گیرد.

منابع:

امینی، ع (۱۳۸۳). اندازه‌گیری و تحلیل عوامل مؤثر در بهره‌وری کل عوامل در بخش صنعت و معدن. پیک نور، (۴): ۷۳-۴۷.

آقا رضایی، ا. (۱۳۹۵). تعیین مقدار بهینه نهاده‌ها در تولید پسته مطالعه موردی: شهرستان راور. پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شهید باهنر کرمان.

باقری قادیکلائی، م (۱۳۸۳). بررسی تأثیر فناوری اطلاعات (IT) بر روی دستمزد و بهره‌وری نیروی کار (مطالعه موردی صنایع استان تهران). پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی.

پروا، ب (۱۳۷۹). نگرشی بر بهره‌وری. مجله استاندارد، ۱۰۷: ۴۸-۴۷.

دشتی مقدم، م (۱۳۷۶). برآورد بهره‌وری موجودی سرمایه در بخش کشاورزی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران.

رشیدی شریف‌آباد، ع. ر. (۱۳۸۸). تفکیک اجزای بهره‌وری کل عوامل تولید پسته- مطالعه موردی شهرستان رفسنجان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شهید باهنر کرمان.

سلامی، ح (۱۳۷۶). مفاهیم اندازه‌گیری بهره‌وری در کشاورزی. فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۱۸: ۳۱-۷.

شادروان (۱۳۹۰). تعیین جایگاه اقتصادی بخش‌های استان کرمان با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی و مقایسه آن با روش داده-ستانده. پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شهید باهنر کرمان.

گلستان، م. (۱۳۹۵). بررسی رابطه اندازه مزرعه با بهره‌وری کل عوامل تولید گندم در جنوب غرب استان کرمان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شهید باهنر کرمان.

مرادی، ا. (۱۳۸۱). بررسی بهره‌وری عوامل تولید در بخش کشاورزی ایران و اثر آن بر مهاجرت روستایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس.

وزارت جهاد کشاورزی (۱۳۹۵). آمارنامه کشاورزی، جلد اول و سوم. معاونت برنامه‌ریزی و اقتصادی. ●

مردم توجه شده است (امینی، ۱۳۸۳).

بررسی ساختار اقتصاد استان کرمان و مقایسه آن با کشور نشانگر این مطلب است که استان کرمان برخلاف سیمای بیرونی آن که به‌عنوان استانی کویری مطرح می‌باشد؛ دارای سهم بخش کشاورزی ۲۷/۶ درصد از کل اقتصاد استان می‌باشد که در مقایسه با ارقام مشابه در کل کشور به میزان ۱۴/۲ درصد، حکایت از تنوع فعالیت‌های کشاورزی در استان است. تنوع اقلیمی، وجود منابع و ذخایر غنی، امکان ایجاد اشتغال مولد کم‌هزینه و زود بازده، توان بالا در تولید و صادرات محصولات سبب شده است که استان کرمان یکی از قطب‌های مهم کشاورزی محسوب شود. بخش کشاورزی استان با دارا بودن توانمندی‌های قابل توجه در منابع و عوامل تولید از جمله بیش از ۸۲۵ هزار هکتار سطح زیرکشت، قابلیت تولید بیش از ۸۰ نوع محصولات زراعی و تولید انواع محصولات باغی و دامی و توان بالای فنی و اجرایی می‌تواند با تکیه بر رشد مستمر تولید و بازدهی مطلوب سرمایه، جایگاه مناسبی در اقتصاد کشور و استان کسب نماید. سهم ارزش‌افزوده بخش کشاورزی استان از کل کشور ۶/۹۲ درصد در سال ۱۳۹۴ برآورد شده است (گزارش‌های اقتصادی استان کرمان، ۱۳۹۴؛ شادروان، ۱۳۹۰). پسته با ۲۱۲۰۵۰ هکتار، رتبه نخست سطح زیرکشت محصولات باغی استان کرمان را به خود اختصاص داده است. گندم نیز با سطح زیرکشت ۴۴ هزار هکتار، در رتبه نخست کشت محصولات زراعی استان قرار دارد (وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۹۵).

چندین مطالعه در زمینه اندازه‌گیری بهره‌وری عوامل تولید و کارایی محصولات کشاورزی استان کرمان انجام شده است که در قسمت ذیل به مطالعات انجام درخصوص دو محصول عمده زراعی و باغی استان (گندم و پسته) اشاره می‌شود.

گلستان (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه اندازه مزرعه با بهره‌وری کل عوامل تولید گندم در جنوب غرب استان کرمان پرداخته است. بدین منظور اطلاعات ۱۰۰ بهره‌بردار از گندم کاران جنوب غرب استان کرمان را مورد بررسی قرار داده است. نتایج حاصل از محاسبه میزان بهره‌وری کل عوامل تولید گندم کاران نشان داد که میزان بهره‌وری گندم در این منطقه پایین است. همچنین نتایج نشان داد که مزارع این منطقه در سطح خرد می‌باشند و یک رابطه مستقیم و معنی‌داری بین اندازه مزرعه و میزان بهره‌وری در این منطقه وجود دارد.

رشیدی شریف‌آباد (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای تغییرات بهره‌وری کل عوامل تولید پسته را در شهرستان رفسنجان برای دوره سه‌ساله ۸۷-۱۳۹۴ مورد بررسی قرار داده و بدین منظور اطلاعات ۲۹۸ باغدار را جمع‌آوری نموده است. نتایج نشان داد که رشد بهره‌وری کل عوامل، بیشتر از پیشرفت‌های تکنولوژیکی نشأت می‌گیرد؛ اما تفاوت‌های رشد بهره‌وری کل عوامل در بین تولیدکنندگان مناطق گوناگون بیشتر از تفاوت بین تغییر کارایی نشأت می‌گیرد. میانگین کارایی در بین ۱۹ منطقه هم‌جوار از ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶، ۵۲/۵۲ درصد بوده است. همچنین نتایج نشان داد که تجربه و اندازه واحد کشاورزی با کارایی ارتباط مثبت دارند. در حالی که سن، تحصیلات و اندازه باغ، با کارایی ارتباط منفی دارند.